

تقدیم به الهه که نتوانستمش  
سرود و ترانه پیاموزم، او که با  
سکوت اش ورشکسته ام ساخت.  
اکنون افتاده ام و رفتن اش را خیره  
مانده .

فرزانه ف

بیا الهه خاموش سرد تنهایی  
کجا روی به تن خسته در هوای سفر

کجا قیامت سنگ سکوت صبر ترا

نوای خواهد بود؟

کجا شکست سکوت ات

صدایی خواهد شد؟

بیا الهه خاموش و بی صدای دلم  
گشای مشت دلت را سکوت را بشکن

بیا و نغمه چشمان روشن خود را  
میان واژه بریز

و بگوش ما میخوان  
گشا در قفس تنگ بی صدایی را

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.